



الگوسازی در مسکن متکی بر دانش بومی

تهیه و تنظیم: کامبیز مشتاق گوهری؛ دکتری معماری و دانشیار گروه معماری دانشگاه سیستان و بلوچستان

دانش بومی مسکن‌سازی در معماری امروز بدلیل عدم‌انطباق با روش‌ها و الگوهای معماری و شهرسازی معاصر کمتر مورد توجه است، البته این موضوع از جهاتی هم طبیعی است اما سوال این است که آیا می‌شود دانش و معرفتی چندصدساله قابلیت‌هایی برای درس‌آموختن در معماری و شهرسازی معاصر نداشته باشد؟ امروز بازخوانی معماری گذشته تا روزگار باستان دانشی کاربردی در سپهر معماری برخی کشورهای صنعتی است. جنبه‌های مختلف معماری گذشته می‌تواند راه‌حلهایی ساده و کم‌هزینه را برای برخی چالش‌های جدی معماری و شهرسازی ارائه دهد. از این‌رو نگاه به گذشته به معنی بازتولید الگوها و فضاهایی نیست که در روزگار معاصر از آنها عبور کرده‌ایم، بلکه بیشتر به معنی فهمیدن نحوه ارتباط معماری با انسان و محیط پیرامونش است. اینکه معماری چگونه می‌توانسته استقرار انسان در محیط پیرامونی‌اش را تسهیل کند، چگونه علاوه بر ایجاد آسایش زمینه ارتقای سطح زیست و فرهنگ او را فراهم ساخته است؟ در کشور ما محیط پیرامونی انسان، شامل اقلیم جغرافیا، فرهنگ‌های همسایه و ضرورت‌ها و محدودیت‌های منابع آب، انرژی و مصالح ساختمانی، در طول سالیان دراز نوعی معرفت ساخت و معماری پدید آورده که نمی‌توان آنها را در آموزش و بازآفرینی معماری در روزگار معاصر نادیده انگاشت. چالش‌های جدی محیط پیرامونی انسان در فلات ایران زنجیره ای از دانایی و مهارت‌های فنی را پدید آورده که توانسته انسان ایرانی را در این چندهزاره در این فلات حفاظت کند و بخشی از پیوستگی فرهنگی تاریخی انسان ایرانی از طریق پیوستار منسجم معماری ایرانی تاکنون تأمین شده است.

گرچه بیشترین بازآموزی معماری معاصر از معماری بومی می‌تواند در زمینه مفاهیم و شیوه‌های تعامل با چالش‌های محیطی باشد، اما می‌توان در موارد بسیاری نیز حتی با رجوع به شیوه‌های کاربردی راه‌حلهایی برای چالش‌های معماری و شهرسازی در روزگار معاصر نیز جست.

تجربه ما در زمینه مشکل حاشیه‌نشینی در شهر زاهدان نیز از این دست بود. این تجربه از اوایل دهه 80 آغاز شد، در سال‌های آغاز دهه 80 خشک‌سالی گسترده در استان سیستان و بلوچستان موجب گردید که موجی از مهاجرین روستاهای رو به زوال به شهر زاهدان روی بیاورند و به دلیل سطح معیشت و پیوندهای قومی در یکی از سه منطقه عمده حاشیه‌نشینی حومه زاهدان یعنی، شیرآباد، کریم آباد و بابایان جای‌گیرند. این مناطق که در همان زمان هم در زمره حاشیه‌های پرچالش زاهدان محسوب می‌شدند با ورود این

مهاجران صحنه درگیری میان این مردم با مأموران شهرداری شد. هر شب دور از چشم مأموران اتاق‌هایی با مصالح پست و ارزان قیمت در مناطق میان این حاشیه‌نشینی‌ها و بیابان پیرامون از زمین سر به‌درمی‌آورد که عده‌ای در آنها ساکن بودند. حجم این اسکان غیرمجاز به حدی رسید که شورای تأمین استان دستور تخریب این بافت تازه‌اضافه‌شده به حاشیه‌نشینی منطقه شیرآباد در محدوده روستای همت‌آباد را صادر کرد.

ورود نیروی انتظامی و ماشین‌آلات شهرداری زاهدان برای تخریب این بافت پرچالش موجب درگیری میان مردم ساکن در آن با مأمورین انتظامی و شهرداری شد و کار به تیراندازی از دو سو رسید که با مداخله مسئولان به‌رغم تخریب بخشی از این بافت خودرو این مداخله متوقف شد. مردمی که در این مناقشه بخشی از اموال خود را از دست‌داده بودند و همین‌طور سرپناه‌های ساخته‌شده آنها نیز تخریب شده بود، جهت تظلم و دادخواهی به دفتر یکی از نمایندگان شهر زاهدان در آن زمان، (دکتر جعفر کامبوزیا) رجوع کردند. در این فضای پرتنش بود که تصمیم‌گرفته شد تا اگر امکانی وجود داشته باشد جهت اسکان این مردم در حاشیه روستای همت‌آباد که از طریق منطقه شیرآباد با شهر در ارتباط نزدیک قرار می‌گرفت، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی زمینه ساخت نوعی سرپناه ارزان و در عین‌حال مناسب را برای این مردم فراهم سازد.

با توجه به اینکه تجربه بنیاد مسکن در زمینه اسکان موقت و اسکان در شرایط بحران تجربه‌ای بود که از سوی جامعه حرفه‌ای معماری مورد نقد جدی بود و در مناطقی چون شهرستان بم پس از زلزله الگوهای مسکن مورد استفاده توسط مردم محلی مورد استفاده قرار نگرفته بود، نگارنده و جمعی از دوستان پیشنهاد کردیم تا مسکنی را با استفاده از مصالح ارزان‌قیمت خشت‌وگل، برگرفته از الگوهای معماری بومی و روستایی منطقه موردنظر و با کمک خود مردم، جهت اسکان این جمعیت به‌گونه‌ای احداث کنیم که هم با خاستگاه و روستاهای مبدأ این جمعیت هم‌خوانی داشته باشد و از این‌رو این جمعیت احساس بیگانگی با فضای جدید در حاشیه شهر زاهدان را نکند و همین‌طور با تأکید بر حوزه نفوذ روستای همت‌آباد این بافت جدید را به‌جای در نظر گرفتن حاشیه‌ای بر شهر زاهدان، به‌نوعی توسعه روستای همت‌آباد بدانیم و با تأثیری که بر طراحی این مجموعه خواهیم گذاشت از رهگذر استفاده از الگوهای معماری بومی-روستایی ایرانی، جذابیت‌های کالبدی را برای این بافت مسکونی ایجاد کنیم که هم برای مردم ساکن در آن و هم برای شهروندان زاهدانی که این منطقه را می‌بینند، هویت‌ساز و دلنشین باشد این مجموعه طرح در قالب نوعی مشارکت مردمی پیش رفت و به قواره‌بندی و پیشنهاد کاربری اراضی در محله مورد نظر هم رسید، برای تحقق این امرهم جلسات متعددی با کارشناسان و مسولین سازمان مسکن و شهرسازی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در زاهدان و تهران برگزار شد. اما هنگامی که جهت اجرای طرح تهیه‌شده اقدام شد، اختلافات میان ارکان سیاسی استان مانع اجرای این طرح شد، اما توجه ما به این منطقه در ادامه شکل دیگری پیدا کرد و بخشی از بافت منطقه شیرآباد که در تلاقی با بافت شهری شمال‌شهر زاهدان قرار می‌گرفت و روی ناهمواری‌های این بخش از شهر قرار می‌گرفت اکنون موضوع تحقق این طرح با کاربری گردشگری صنایع دستی شده‌است.

این بافت خودرو که اتفاقاً قدیمی‌ترین بخش از بافت حاشیه شهر زاهدان محسوب می‌گردد، به‌دلیل ترکیب با ناهمواری‌های شمال زاهدان می‌تواند با تحقق این طرح خودقابلیتی برای گردشگری شهری در زاهدان تبدیل شود و در طرح کلی برای ساماندهی سیما و منظر این منطقه، یک بازارچه صنایع دستی و رستوران‌های سنتی در نظر گرفته‌شده تا بتوان با تشویق حرکت جمعیت شهری از مرکز به حاشیه به‌نوعی به توانمندسازی این بافت حاشیه‌ای و ترمیم گسست اجتماعی میان متن و حاشیه دست یافت.